

سرشناسه: شمسی، عبدالله
عنوان و نام پدیدآور: حزب کارگزاران سازندگی / نویسنده عبدالله شمسی؛ تهیه کننده پژوهشکده تحقیقات اسلامی.
مشخصات نشر: قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی، انتشارات زمزم هدایت، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری: ۲۸۸ ص.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۴۶-۱۱۱-۰ / ۴۵۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
موضوع: حزب کارگزاران سازندگی، ایران
شناسه افزوده: پژوهشکده تحقیقات اسلامی
شناسه افزوده: پژوهشکده تحقیقات اسلامی، انتشارات زمزم هدایت
رده‌بندی کنگره: ۸۱۳۹۰ ش ۲۴ ک / ۴ / ۱۶۶۱ DSR
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵ / ۰۸۴۴۰۴۵۲
شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۰۴۴۳۹

حزب کارگزاران سازندگی

پژوهشکده تحقیقات اسلامی

www.ketab.ir



حزب کارگزاران سازندگی

- موضوع: جریان‌شناسی سیاسی احزاب
- تهیه‌کننده: پژوهشکده تحقیقات اسلامی
- نویسنده: عبدالله شمسى ● ویراستار: جواد احمدی ● صفحه‌آرا: مسلم خسروی
- چاپ: الهادی ● نوبت چاپ: اول ● تاریخ چاپ: پاییز ۱۳۹۰ ● شمارگان: ۲۰۰۰ ● قیمت: ۴۵۰۰ تومان ● شابک: ۰-۱۱۱-۲۴۶-۹۶۴-۹۷۸

قم، خ شهید فاطمی (دور شهر)، نیش فاطمی ۳، پلاک ۸۱
تلفکس: ۷۷۳-۷۳۵ - ۰۲۵۱، همراه: ۲۸۸۷ ۲۵۳ ۹۱۲-
صندوق پستی: ۶۴۱-۳۷۱۸۵ ofogh.net@tooba E.mail:

فهرست

۹	مقدمه نماینده محترم ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
۲۱	مقدمه نویسنده
۲۵	فصل اول: کلیات (معرفی حزب کارگزاران)
۲۵	عنوان دقیق و رسمی
۲۵	دبیر کل حزب
۲۶	اعضای هیئت مؤسس و اولین شورای مرکزی
۲۶	قلمرو فعالیت
۲۶	خط مشی کلی
۲۷	حمایت‌های داخلی
۲۸	حمایت‌های خارجی
۳۰	طیف و جناح سیاسی
۳۱	نشریات وابسته
۳۳	ارگان رسمی
۳۶	ساختار و تشکیلات
۳۶	۱. اساسنامه
۳۶	۲. ساختار و تشکیلات
۳۹	۳. شرایط عضویت
۳۹	۴. شرایط ارتقای اعضا
۳۹	۵. نحوه نظارت بر اعضا
۴۰	۶. نحوه برخورد با تخلفات اعضا
۴۰	۷. منابع مالی حزب
۴۱	۸. ارتباطات درون سازمانی
۴۱	۹. ارتباطات برون سازمانی
۴۱	۱۰. مجاری ارتباطی
۴۳	فصل دوم: تاریخچه و تحولات درونی
۴۳	زمان تأسیس

۴۳	محدوده سازمانی اولیه و سیر گسترش آن
۴۴	بنیانگذاران
۴۴	فضای فکری زمان تأسیس
۴۵	۱. دیدگاه موافقان
۴۶	۲. دیدگاه رقبای سیاسی
۴۷	تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زمان تأسیس
۴۷	۱. تحولات قبل از سال ۱۳۶۸
۵۱	۲. تحولات بعد از سال ۱۳۶۸ تا ظهور کارگزاران
۶۳	طیف‌های درونی
۶۶	اعضای برجسته
۸۷	آیت الله هاشمی رفسنجانی و حزب کارگزاران سازندگی
۹۵	فصل سوم: میانی فکری
۹۶	اسلام
۹۷	تلفیق اسلام و لیبرالیسم
۱۰۵	چند نکته
۱۰۶	نفی نظام اقتصادی و سیاسی اسلام
۱۰۸	الف. نظام سیاسی اسلام
۱۱۰	ب. بررسی نفی نظام سیاسی و اقتصادی اسلام
۱۱۷	تکنوکراسی (فن سالاری)
۱۱۸	طبقه تکنوکرات
۱۱۸	تکنوکرات‌های مسلمان در ایران
۱۲۳	پراگماتیسم (عمل‌گرایی)
۱۲۵	فصل چهارم: دیدگاه‌ها
۱۲۵	سنت و مدرنیسم
۱۲۸	نظام جمهوری اسلامی
۱۳۰	قانون اساسی
۱۳۲	ولایت فقیه
۱۳۴	امام خمینی ره
۱۳۴	رابطه دین و سیاست
۱۳۵	روحانیت و حکومت
۱۳۵	اسلام و ایران
۱۳۶	جامعه مدنی
۱۳۶	آزادی
۱۳۷	مساوات و برابری

۱۳۷	عدالت
۱۳۸	خودی و غیر خودی
۱۳۹	مخالفان داخلی نظام
۱۴۰	احزاب و گروه‌ها
۱۴۱	اصلاحات
۱۴۲	توسعه
۱۴۲	الف. تعریف توسعه
۱۴۴	ب. توسعه اقتصادی
۱۴۶	ج. توسعه سیاسی
۱۴۷	فصل پنجم: اهداف، راهبردها و سیاست‌ها
۱۴۷	اهداف
۱۴۹	راهبردها
۱۴۹	۱. انواع راهبرد
۱۵۱	۲. الگوی راهبرد
۱۵۲	۳. زیر ساخت‌های راهبرد
۱۵۲	۴. الزمات راهبرد
۱۵۳	۵. چالش‌های پیش روی راهبرد سازندگی
۱۵۶	۶. تأثیر محیط بین المللی و منطقه‌ای در تعیین استراتژی حزب
۱۵۶	سیاست‌ها
۱۶۰	۱. سیاست‌های داخلی
۱۷۱	۲. سیاست‌های خارجی
۱۷۷	فصل ششم: نفوذ سیاسی و اجتماعی
۱۷۸	سطح حضور در قوه مجریه
۱۷۸	سطح حضور در قوه مقننه
۱۷۹	نوع رابطه با نظام
۱۸۰	نوع مبارزات سیاسی
۱۸۰	پایگاه اجتماعی
۱۸۵	فصل هفتم: عملکردها
۱۸۵	عملکرد سیاسی
۱۸۵	۱. عملکرد انتخاباتی
۲۲۲	۲. عملکرد در تحمل نظر مخالفان
۲۲۲	۳. تلاش در جامعه‌پذیری سیاسی
۲۲۳	۴. عملکرد در راستای کمک به نیازمندان سیاسی

۲۲۴	۵. تلاش برای تحکیم وحدت ملی
۲۲۴	۶. عملکرد در انتقال حساسیت‌های محیط سیاسی به دولت
۲۲۵	۷. ترجیح اهداف ملی بر منافع حزبی
۲۲۶	۸. عملکرد و تأثیر بر تصمیم‌سازی دولت
۲۲۶	۹. عملکرد در راستای تربیت نخبگان سیاسی
۲۲۷	۱۰. چگونگی تعامل با ارگان‌ها و نهادها
۲۲۷	۱۱. عملکرد حزب علیه نظام
۲۳۶	۱۲. عملکرد حزب در جذب مخالفان
۲۳۷	عملکرد فرهنگی
۲۳۷	۱. بررسی عملکرد آقای مهاجرانی
۲۴۲	۲. عملکرد آموزشی
۲۴۳	۳. عملکرد تبلیغاتی
۲۴۴	۴. عملکرد در راستای اصلاح الگوهای اقتصادی و فرهنگی جامعه
۲۴۶	۵. عملکرد در راستای ترویج ارزش‌های نظام
۲۴۹	عملکرد در زمینه عدالت اجتماعی
۲۵۳	ظهور طبقه جدید
۲۵۵	نتیجه
۲۵۹	پیوستها
۲۵۹	مجاز تاسیس حزب کارگزاران سازندگی
۲۵۹	اساسنامه حزب کارگزاران سازندگی ایران
۲۶۳	آیین‌نامه، ضوابط و تشکیلات ستاد مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران
۲۶۹	مرامنامه حزب کارگزاران سازندگی
۲۷۱	اعضای برجسته و شورای مرکزی
۲۸۳	کتابنامه

مقدمه نماینده محترم ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

اشاره: در واپسین سالهای دهه دوم از تاریخ انقلاب اسلامی ایران و در حین فراز و فرود جریانها و تشکلهای و احزاب سیاسی با گرایشهای متفاوت در عرصه حاکمیت و چالشها و تضارب آراء و اندیشهها، پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه بر آن شد تا پژوهشی پیرامون تشکلهای و احزاب تأثیرگذار در عرصه سیاسی به عمل آورد. در این کلام مقدماتی، به چرایی و چگونگی این پژوهش می پردازیم:

۱. هدف پژوهش

هدف تحقیق، شناسایی ماهیت فکری-سیاسی تعدادی از تشکلهای و احزاب سیاسی تأثیرگذار در عرصه های مختلف حاکمیت و ارزیابی مواضع و عملکرد آنان در راستای اهداف و آرمانها و رسالت حاکمیت دینی و جمهوری اسلامی ایران می باشد. این تحقیق از طریق بررسی دیدگاهها، مواضع و جهت گیری ها و عملکرد آنان در سه دهه اخیر انقلاب و انطباق مواضع و عملکردها با شاخص ها و معیارهای دینی و ارزشی به منظور شناخت تشکلهای و احزاب و نقش آنان در تقویت و یا تضعیف حاکمیت دینی و نظام اسلامی و تفکیک گروههای همسو و همگرا با اصول و مبانی نظام دینی و حاکمیت اسلامی و رهبری به عنوان محور حکومت الهی از دیگر گروهها دنبال خواهد شد.

۲. چرایی پردازش به احزاب و تشکلهای

در پاسخ به چرایی بحث می توان به چند عامل اشاره کرد:

۱-۲. وجود جریانهای فکری معارض با اندیشه‌های دینی

در تاریخ معاصر ایران چهار جریان شاخص فکری وجود دارد و هر کدام دارای مبانی و گرایشات خاص خود هستند. این جریانهای فکری در شکل‌گیری احزاب و گروهها بسیار تأثیرگذار بوده‌اند. از همین رو جریان‌شناسی و جبهه‌شناسی این چهار جریان برای یک مسلمان و مؤمن که همواره در پی جریان حق و دستیابی به مصداق جبهه حزب‌الله و خط ولایت الهی می‌باشد بسیار ضروری است. در بین جریانهای فکری، اعتقادی و سیاسی متفاوت با گرایشات گوناگون، صراط مستقیم و جبهه حق و جریان حزب‌الله یکی است و دیگر جریان‌ها و جبهه‌ها که منطبق با شاخص‌ها و معیارهای تعیین شده نباشند خارج از جبهه حق بوده، در مسیر انحرافی قرار دارند. آیات شریفه قرآن و کلمات معصومین علیهم‌السلام با اشاره به دسته‌بندی‌ها در جامعه و تبیین معیارها و شاخص‌های اهل حق، بر شناخت اهل زمان و انتخاب راه درست تأکید کرده‌اند. قرآن مجید، جریانهای موجود در جامعه آن روز را به مؤمنان، منافقان و کافران طیف‌بندی می‌کند و پیروزی و نجات را از آن جبهه مؤمنان می‌داند. در یک دسته‌بندی دیگر، جریانها را به السابقون «پیشگامان در جبهه صراط مستقیم» و جریان راست «اصحاب المیمنه» و جریان چپ «اصحاب المشئمه» تقسیم‌بندی می‌کند. یک جبهه‌بندی وسیع‌تر، جریانهای موجود را به «حزب الله» و «حزب الشیطان» تقسیم می‌نماید. و با تعیین معیارها و شاخص‌ها برای هر یک، پیروزی و حاکمیت قطعی را از آن جبهه حزب الله می‌داند، و در دو بیان می‌فرماید: «إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» «إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ».

پیامبر بزرگوار اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در ترسیم چشم‌انداز دسته‌بندی‌ها و هشدار و هدایت مردم در جهت دستیابی به جبهه حق می‌فرماید:

إِفْتَرَقَتِ الْيَهُودُ عَلَى إِحْدَى وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً وَ افْتَرَقَتِ النَّصَارَى عَلَى اثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً وَ تَفْتَرِقُ أُمَّتِي عَلَى ثَلَاثٍ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً كُلُّهُمْ فِي النَّارِ إِلَّا وَاحِدَةً^۱

جامعه تحت حاکمیت حضرت موسی پس از رحلت رهبرشان به هفتاد و یک فرقه، جامعه عیسی پس از او به هفتاد و دو گروه و امت من پس از من به هفتاد و سه فرقه

تقسیم می‌شوند که تنها یک فرقه و گروه آن اهل نجات و صراط مستقیم هست و بقیه در مسیر انحرافی قرار خواهند داشت.

در هر جامعه‌ای حسب شرایط و مقتضیات، جریانها و تشکلهای در دسته‌بندی‌ها و طیف‌های مختلفی قرار می‌گیرند. در اینجا است که شناخت ماهیت جریانها و تشخیص جبهه حق از باطل و خودی از غیر خودی در انتخاب راه درست حائز اهمیت می‌گردد. در بیانی امیرالمؤمنین (ع) به یکی از فرزنداناش می‌فرمایند: «يَا بُنَيَّ لَا بُدَّ لِلْعَاقِلِ ... أَنْ يَعْرِفَ أَهْلَ زَمَانِهِ»^۱

به طور کلی در تاریخ معاصر ایران چهار جریان فکری مهم مطرح و با هم در رقابت بوده‌اند که به صورت خلاصه به آنها اشاره می‌شود:

اول: جریان فکری دینی

یکی از جریانهای مهم در تاریخ معاصر، جریان بیداری اسلامی و بازگشت به دین بوده است که معمولاً در یکصد سال اخیر با محوریت روحانیت و فقیهان بزرگ وارد عرصه‌های اجتماعی شده است. هدف سردمداران این جریان، همانا بیداری جامعه و احیای مکتب اسلام و در نهایت حاکمیت اسلام در همه عرصه‌های اجتماعی بوده است. این جریان از مبارزات علمای بزرگ قبل از نهضت مشروطیت و مبارزه شیخ فضل‌الله نوری با جریان انحرافی در مشروطیت شروع می‌شود و با تأکید بر اسلامیت حرکت نهضت ملی ایران و نقش آیت‌الله کاشانی در برابر جریان ملی‌گرایی و تأکید بر اسلامیت حرکت و نقش حضرت امام (ره) در رهبری جریان فکری دین‌مداری در جامعه و در نهایت پیروزی و حاکمیت اسلام و شکل‌گیری جمهوری اسلامی ایران ادامه می‌یابد. این جریان با تکیه بر حقیقت اسلام مبتنی بر قرآن و سیره و سنت پیامبر (ص) و ائمه معصومین و بدون هیچ‌گونه وابستگی فکری به جریان‌های انحرافی لیبرالیسم و سوسیالیسم در صدد ترویج و اجرای جامعیت اسلام بوده است.

دوم: جریان فکری ناسیونالیسم و ملی‌گرایی:

دیگر از جریانهای فکری در تاریخ معاصر ایران، جریان ناسیونالیسم و ملی‌گرایی با تکیه بر عناصر ملتیت، ایرانیت، و اتکا به ارزشها، آداب و رسوم باستانی در ادوار گذشته تاریخ است.

عناصر مؤلفه‌های ناسیونالیسم، اصالت دادن به ملیت در برابر اصالت الله، وطن پرستی ستایش و قداست برای خاک، نژاد، زبان و تاریخ و به طور کلی باستان ستایی، بیگانه ستیزی و تکیه بر سکولاریزم به عنوان ایدئولوژی می‌باشد. چنانچه ملی‌گرایی در چارچوب مؤلفه‌های فوق باشد و جهت‌گیری آن نسبت به اصالت، ملیت و ایرانیت، در برابر اصالت الله و به معنای نفی اعتقاد به اسلام و دارای ماهیت سکولاریستی و قرار دادن دین در قلمرو فردی باشد، قطعاً چنین جریان فکری ضد اسلام بوده و با اصول و مبانی دین سازگاری ندارد، اما اگر گرایشات ناسیونالیستی و ملی‌گرایی و حفظ ارزشهای ملی و باستانی در چارچوب اصول و مبانی دینی و همراه با پذیرش اصول و ضروریات نظام اسلامی باشد، با استانداردهای دینی منافاتی نخواهد داشت. در نگرش دینی علاقه و حب به وطن و اهتمام به نژاد، ملت و یا سرزمین مورد توجه قرار گرفته است.

سوم: جریان فکری لیبرالیسم:

لیبرالیسم در غرب بر مبنای اصالت انسان به جای اصالت الله، تکیه بر آزادی فردی، اصالت لذت به جای اصالت کمال، دموکراسی و تأکید بر مشروعیت حکومت و قوانین شکل گرفته بر اساس رأی مردم، و نیز بر اساس سکولاریسم به معنای قرار دادن اعتقاد به خدا در قلمرو نیازهای فردی بنا شده است.

لیبرالیسم در ایران چنانچه منطبق با مؤلفه‌ها و عناصر لیبرالیسم غربی باشد و بر مبنای اصالت انسان و تفکیک دین از سیاست و نفی مشروعیت الهی حاکمیت و قوانین باشد قهراً خارج از چارچوب اصول و معیارهای دینی است، اما در صورتی که به گونه‌ای دیگر تعریف گردد که منطبق با اصول و مبانی نظام اعتقادی دینی باشد و لیبرالیسم و دموکراسی صرفاً به عنوان شیوه اداره حکومت در نظر گرفته شود، چنین نگاهی خارج از قانون اساسی نخواهد بود، چرا که قانون اساسی شیوه اداره کشور را بر مبنای دموکراسی و باروش مراجعه، آراء مردم تعیین نموده است. به هر حال پایبندی به هر یک از شاخصه‌های لیبرالیسم به معنای خروج از اصول و مبانی دینی است.

چهارم: جریان فکری مادی‌گری و مارکسیسم:

مارکسیسم بر مبنای اصالت ماده در برابر اصالت الله، نفی خدا و متافیزیک، ضدیت با دین و مذهب و تکیه صرفاً بر تجربه به عنوان تنها منبع شناخت و نفی مالکیت خصوصی و زیربنا

بودن اقتصاد شکل گرفت و چنین تفکر و جریانی در ضدیت کامل با مبانی و اصول دینی است.

جریانهای مارکسیست و مادی‌گرا در ایران و برخی دیگر کشورها نیز با تکیه بر مبانی و اصول مارکسیسم شکل گرفت، و توانست در دوره‌ای نه چندان طولانی جای پایی برای خود باز کند. در هر حال هرگونه وابستگی به جریان فکری مارکسیستی خارج از اصول و مبانی دینی است. جریانهای فکری مورد اشاره در شکل‌گیری احزاب و تشکلهای سیاسی و به تبع آن نفوذ در قدرت و حاکمیت در تاریخ معاصر نقش زیادی داشته‌اند، به ویژه پس از پیروزی انقلاب که دوران شکوفایی احزاب و گروههای سیاسی بود وجود این تفکرات در تشکیل احزاب ایفای نقش می‌نمودند.

۲-۲. تفاوت مبانی فکری و عملکرد احزاب و تشکلهای

با بررسی تاریخ احزاب و تشکلهای سیاسی به دست می‌آید که در تاریخ معاصر بیش از دویست و هشتاد حزب و گروه اعلام موجودیت کرده و به نوعی در عرصه سیاسی فعالیت داشته‌اند. تاریخچه احزاب و گروههای مزبور را می‌توان در چهار دوره زمانی ارزیابی کرد:

الف. احزاب و گروههای قبل از مشروطیت

ب. احزاب و گروهها از مشروطیت تا سقوط قاجار

ج. احزاب و گروهها پس از شهریور ۲۰ تا سقوط پهلوی دوم

د. احزاب و گروهها پس از پیروزی انقلاب اسلامی

اما مجموعه احزاب و تشکلهای سیاسی از نظر ایدئولوژی، در طیفهای چهارگانه زیر

دسته‌بندی می‌شود:

اول) احزاب و گروههای اسلامی:

منظور احزاب و تشکلهایی هستند که در طول صد سال اخیر برای استقرار حاکمیت دینی تلاش و مبارزه کردند و بعد از حاکمیت دولت اسلامی برای استقرار و پاسداری از آن در عرصه‌های سیاسی فعال بوده‌اند.

دوم) احزاب و گروههای ملی‌گرا:

احزاب و گروههایی هستند که ملیت و ایرانیت و ملیت‌مداری و وطن‌گرایی را مبنای تفکر و فعالیت خود قرار داده‌اند. که بسیاری از این گروهها، دارای گرایشات لیبرالیستی و

شاخص‌های تفکر لیبرالیسم هستند. اما خود به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول دارای گرایشات مذهبی، با تفکر سکولاریستی‌اند، مثل نهضت آزادی و انجمن حجتیه. دسته دوم گرایشات غیرمذهبی داشته، و در تقابل با حکومت دینی قرار می‌گیرند، همچون جبهه ملی و بسیاری از احزاب سلطنت‌طلب.

سوم) احزاب و گروه‌های مارکسیستی:

احزاب و گروه‌هایی هستند که دارای مبانی مادی‌گری و متکی به شاخص‌های مارکسیسم بوده، آشکارا یا غیر آشکارا در تقابل با نظام دینی قرار گرفته، فعالیت داشتند، همانند حزب توده یا فدائیان اکثریت و اقلیت. هرگونه هواداری و سمپاتی و همسویی با جریانهای مارکسیستی انحرافی بوده و خارج از چارچوب دینی و اسلامی است.

چهارم) احزاب و تشکلهای التقاطی:

گروه‌هایی هستند که از نظر ایدئولوژیک ریشه در دو یا چند مکتب دارند. این تشکلهای احزاب در ایران دارای ایدئولوژی با ترکیبی از اسلام و مکاتب وارداتی غربی یا شرقی هستند که در دو طیف قابل دسته‌بندی هستند.

الف. التقاط اسلام با لیبرالیسم:

گروه‌ها و احزابی هستند که معتقدند اسلام دارای نظامی اعتقادی و عبادی است، اما جامعیت و نظام سیاسی و اقتصادی ندارد. اینان ضمن پذیرش اعتقاد دینی و عمل نسبی فردی، آموزه‌های لیبرالیستی را مبنای حرکت و فعالیتهای خود قرار داده‌اند. این تشکلهای احزاب دارای تفکر سکولاریستی و جدایی دین از سیاست هستند، حکومت دینی را قبول ندارند، معتقد به ولایت فقیه نیستند. این احزاب و گروه‌ها وابسته به اندیشه‌های غربی و به جریانهای راست معروف هستند.

ب. التقاط اسلام با مارکسیسم:

گروه‌ها و احزابی هستند که اعتقاد دینی را از اسلام گرفته و انجام برخی مناسک دینی و عبادی را پذیرفته‌اند، اما نظام سیاسی و اقتصادی را با الگوگیری از ایدئولوژی سوسیالیستی مبنای حرکت خود قرار داده‌اند و بسیاری از آیات و روایات را تفسیر سوسیالیستی نموده و ایدئولوژی خود را توجیه می‌کنند. همچون سازمان مجاهدین خلق (منافقین) و جنبش مسلمانان مبارز، از گروه‌های دیگر که در جریان انقلاب شناخته شدند.

اسلام و عدم شناخت نظام جامع اسلامی می‌باشد و بخاطر ضعف در مبانی اعتقادی به دام ایدئولوژی‌های غربی و یا شرقی افتاده‌اند.

۲-۳. تاثیر و نقش احزاب و تشکیلات در ساختار قدرت

در جامعه و نظام مبتنی بر دموکراسی و مردم سالاری، جریانهای فکری و تشکیلاتی و احزاب نقش بسیار مهمی را در ساختار قدرت چه در راستای اهداف و آرمانهای حاکمیت و قانون اساسی و یا انحراف از مسیر اصلی و استحاله نظام، ایفا می‌کنند. به طور خاص در یک نظام مکتبی و حکومت مبنی بر دین و شریعت اسلام با محوریت و سیاستگذاری ولی فقیه، نقش احزاب و تشکیلات در استقرار و تحکیم مبانی دینی و یا انحراف از مسیر اصلی و جهت‌گیری به سمت ساختار شکنی، بسیار حساس‌تر و مهم‌تر است. تجربه دهه‌های گذشته و بروز ظهور جریانها و تشکیلات با گرایشات لیبرالیستی و جهت‌گیری‌های سکولاریستی و ایجاد انحراف در حرکت حکومت دینی مبین این واقعیت می‌باشد. اصولاً دموکراسی شمشیر دودمی است که اگر دستگاهها و نهادها و احاد مردمی پایبند به مبانی دینی، به الزامات آن توجه نداشته باشند جریانها و تشکیلات سیاسی می‌توانند زمینه چرخش را در حاکمیت دینی فراهم نمایند. این موضوع، به ویژه در نظام اسلامی که با توجه به عمق و گستره استکبار و کفرستیزی خود، با انبوهی از دشمنان و دسیسه‌های فراوان براندازی مواجه می‌باشد، نمود و اهمیت بیشتری می‌یابد.

۲-۴. دین محوری حکومت

بر مبنای قرآن و آموزه‌های دینی، دین و آیین مقدس اسلام محور حکومت و اداره جامعه است. در عصر نبوت و امامت این محوریت محقق گردید و حکومت بر مبنای دین در مقاطعی از تاریخ شکل گرفت. تداوم حکومت دینی بر پایه و مبنای قرآن و رهبری برتر در عصر غیبت مستلزم پیش‌بینی نهادها و ساختاری مناسب با شاخص‌ها و معیارهای عصر امامت می‌باشد تا با تکیه بر آنها زمینه تداوم حاکمیت دینی فراهم گردد و جامعه از گمراهی و انحراف مصون بماند. بر این اساس در بیان معصومین شاخص‌های رهبری برای اداره جامعه مدنظر قرار گرفته است. در توقیع امام عصر علیه السلام در پاسخ به اسحاق بن یعقوب آمده: «وَأَمَّا الْخَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ»^۱

در حوادثی که رخ می‌دهد به راویان حدیث ما (فقه‌های عادل) رجوع کنید. آنها حجت من بر شما و من حجت خدا هستم. در این بیان و دیگر احادیث با تکیه بر اجتهاد و عدالت، فقیه عادل را محور جریان و جبهه حق در تداوم جریان امامت مطرح می‌کند. از این رو قبل از بیان معیارهای جریان اسلامی در عصر غیبت، بیان چند نکته ضروری است:

- عصر غیبت، دوران نیابت عامه است و شاخص‌های فقیه عادل در لسان ائمه بیان شده و انتخاب آن بر عهده مردم با واسطه خبرگان خواهد بود، چه به صورت سنتی در دوره‌های گذشته و یا به صورت سیستم و توسط مجلس خبرگان در دوره حاکمیت جمهوری اسلامی ایران. دوران فقاقت به دو بخش تقسیم می‌شود: دوره‌ای که حاکمیت در دست فقیه عادل نمی‌باشد و دوره‌ای که فقیه مبسوط الید زمام قدرت را در دست دارد که شرایط جبهه و جریان اسلامی در دو دوره قدری متفاوت است.

- در عصر غیبت با توجه به دسترس بودن قرآن و فرهنگ غنی اهل بیت عصمت و طهارت و شرایط عصر نیابت، در رهبری دو شرط اساسی عصمت و علم غیب، به مصونیت حداکثری یعنی عدالت واقعی و اجتهاد در جهت استنباط مقررات و احکام الهی از قرآن، سنت، اجماع و عقل تبدیل می‌شود. و دو عنصر اجتهاد و عدالت در ولی فقیه در عصر غیبت کفایت می‌کند.

- اگر چه شرائط، شئون و مراتب ولایت در دو عصر امامت و غیبت متفاوت است، اما اختیارات و قدرت ولایت فقیه عادل در اداره حکومت و تبیین مقررات و قوانین و احکام الهی و امور حسبه و اعمال و اجرای مقررات شرع مقدس، همانند ائمه است. همینطور میزان تبعیت از ولی فقیه با میزان تبعیت و اطاعت امام معصوم و یا پیامبر ﷺ تفاوتی ندارد. با توجه به توضیحات فوق به برخی شاخص‌های جبهه اسلامی در عصر غیبت اشاره می‌شود:

شاخص‌های جبهه اسلامی در عصر غیبت

۱. اعتقاد به ولایت مطلقه ائمه معصومین ﷺ در امور تکوینی و تشریعی به عنوان مدیران و رهبران عالی جامعه پس از پیامبر اعظم ﷺ.

تداوم جامعه توحیدی عصر نبوی با شاخص‌ها و معیارهای آن، مستلزم تداوم رهبری پس از پیامبر با همان شاخص‌هایی است که در پیامبر بود.

حضرت علی علیه السلام در آغاز خلافت سومین خلیفه، برای اثبات خلافت خود، این چنین به حدیث غدیر استدلال نمود: پیامبر درباره من فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَى مَوْلَاهُ». سلمان از

رسول خدا ﷺ پرسید منظور از این ولایت چیست؟ در پاسخ فرمود: «وَلَايَةُ كَوَلَايَ، مَنْ كُنْتُ أَوَّلِي بِهِ مِنْ نَفْسِي»^۱ منظور از ولایت، ولایتی همچون ولایت من است که من به خود مؤمنان از خودشان اولی هستم و از جان آن‌ها بر آنان برتری دارم.

۲. اعتقاد به پیوستگی دوران فقاہت با عصر امامت: دوران غیبت در حقیقت واسطه‌ای است بین عصر امام عسکری و دوره جهانی شدن اسلام به رهبری امام عصر ﷺ. به بیان دیگر در دوره غیبت زمام امور مردم به عهده فقهای عادل است به ویژه در زمان حاکمیت ولی فقیه که نیابت عام از امام عصر خواهد داشت. همانطور که در بیان حضرت مهدی ﷺ آمده «فَالْتَمِمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ» همانند امامان فقها حجت بر شما هستند معنی و مفهوم آن پیوستگی بین این دو دوره می‌باشد.

۳. اعتقاد به نصب توصیفی فقها از ناحیه ائمه معصومین ﷺ، در کنار نصب تنصیبی ائمه توسط پیامبر و یا امام قبل از او در روایات منقول از ائمه ﷺ خصوصیات فقهاء در عصر غیبت که عهده‌دار ولایت هستند بیان شده که از جمله آنها روایتی است از امام صادق ﷺ که می‌فرماید: «مَنْ كَانَ مِنْكُمْ قَدْ رَوَى حَدِيثًا وَنَظَرَ فِي خَلَالِنَا وَحَرَامِنَا وَعَرَفَ أَحْكَامَنَا فَلْيُزَوِّا بِهِ حَكَمًا، فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا»^۲.

هر کس در میان شما که حدیث ما را روایت کند و حلال و حرام ما را بررسی و احکام ما را بشناسد باید حاکم و داور بودن او را بپذیرید. همانا من او را رهبر و حاکم شما قرار دادم.

۴. اعتقاد به ولایت فقیه در عصر غیبت: در مقابل کسانی که ولایت را محدود به وظائف مذکور در قانون اساسی می‌دانند و یا محدود در امور حسبه می‌دانند، حضرت امام ﷺ می‌فرماید: «فَلْيَلْفَقِيهِ الْعَادِلُ جَمِيعُ مَا لِلرَّسُولِ وَالْأَيَّمَةِ ﷺ مِمَّا يَرْجِعُ إِلَى الْحُكُومَةِ وَالنِّيَاةِ»^۳؛ فقیه عادل در مورد حکومت و سیاست دارای همه آن اختیاراتی است که پیامبر اکرم ﷺ و امام معصوم ﷺ داشتند.

۵. اعتقاد به وجود حکومت و نظام سیاسی و دیگر نظامها برای اسلام: در مقابل جریانها و گروههایی که معتقدند اسلام نظام حکومتی و سیاسی و یا نظام اقتصادی ندارد، جای جای قرآن و روایات و سیره و سنت پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین ﷺ مبین این است که اسلام دارای

۱. الغدير، ج ۱، ص ۱۶۵.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۹۹.

۳. کتاب البیع، ج ۲، ص ۴۱۷.

حکومت و نظام سیاسی و اقتصادی است و اصولاً بدون حکومت امکان اجرای احکام و مقررات اسلامی وجود ندارد.

قرآن می‌گوید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵) بعثت پیامبران همراه با کتاب و میزان به منظور قیام مردم به قسط و عدل، مبتین شاکله حکومتی مکتب اسلام است.

۶. اعتقاد به جامعیت دین و پیوستگی بین دین و سیاست: جامعیت دین اسلام و پیوستگی بین دین و سیاست از ضروریات قطعی است. در مقابل، تفکر سکولاریستی و جریان‌هایی بر این باورند که دین جزو ملزومات فردی است و جنبه عبادی دارد و از همین رو نباید در قلمرو حکومت دخالت داشته باشد. در حالی که آموزه‌های دینی خلاف این را اثبات می‌کند. امام باقر (ع) می‌فرماید: دین ده جزء دارد که یک جزء آن عبادت است و اجزاء دیگر مربوط به دیگر شئون جامعه است. حضرت امام (ع) می‌فرماید: «فَمَنْ تَوَهَّمَ أَنَّ الدِّينَ مُتَّفَكٌّ عَنِ السِّيَاسَةِ فَهُوَ جَاهِلٌ لَمْ يَعْرِفِ الْإِسْلَامَ وَلَا السِّيَاسَةَ»^۱؛ یعنی آن کسی که خیال کند دین از سیاست جدا است، او ناآگاهی است که نه اسلام را شناخته و نه سیاست را.

۷. اعتقاد به مشروعیت الهی رهبری و قوانین: در نگرش دینی، حاکم علی الاطلاق ذات باری تعالی است. هم او حق حکومت و وضع مقررات و قوانین را دارد، لذا بعثت پیامبران برای اداره امور جامعه از ناحیه خداوند است و واضح قوانین و مقررات هم ذات باری تعالی و یا کسانی‌اند که ظرفیت و شرایط را داشته باشند و از طرف خدا مأذون به وضع مقررات و احکام باشند؛ در برابر جریان‌هایی که مشروعیت حکومت و مقررات را مبتنی بر رأی اکثریت مردم می‌دانند.

۸. اعتقاد به نقش مردم در فعلیت بخشیدن به حکومت دینی و ولایت فقیه: اگر نظام اسلامی را به یک مثلث تشبیه کنیم، یک ضلع آن را رهبری دینی و ضلع دیگر را قرآن و قوانین و احکام اسلام به شمار آوریم، به طور قطع مردم ضلع سوم و قاعده آن هستند که زمینه‌ساز حاکمیت رهبری و اجرای قوانین خواهند بود و مفهوم مردم‌سالاری دینی هم این است. بنابراین مردم حق انتخاب دارند و اگر منتخب آنان با منتخب ذات باری تعالی منطبق باشد آن جامعه و حکومت الهی خواهد بود.

۹. اعتقاد و التزام به اصول و مبانی نظام اسلامی: حکومت دینی و نظام اسلامی در عصر ما اصول و ضروریاتی دارد که اعتقاد و التزام به آنها از شاخص‌های یک جریان اسلامی است. این اصول و ضروریات عبارتند از ولایت فقیه، قانون اساسی، مجلس خبرگان، شورای نگهبان و امثال اینها که نماد اسلامیت و جمهوریت نظام به شمار می‌آیند.

۱۰. همگرایی و تبعیت کامل از ولی فقیه: در نظام دینی، محور نظام رهبری است، چه پیامبر یا امام معصوم باشد و یا ولی فقیه. همسویی و همگرایی با محوریت نظام و تبعیت شرط اساسی اسلامی بودن یک جریان است. در روایتی آمده: «لَا يَكُونُ الْقَبْدُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَعْرِفَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْأَيُّمَةَ كُلَّهُمْ وَ إِمَامَ زَمَانِهِ وَ يَرُدَّ إِلَيْهِ وَ يُسَلِّمَ لَهُ»؛ بنده خدا مؤمن نخواهد شد مگر اینکه خدا و رسول خدا را بشناسد، ائمه را به تمامه بشناسد و امام زمانش را هم بشناسد و در امور به او مراجعه کند و تسلیم او باشد. تبعیت از ولی فقیه در زمان غیبت، خود بهترین فرمانبری از امام زمان علیه السلام خواهد بود.

۱۱. پرهیز از همگرایی و همکاری و همسویی با جریانهای غیر خودی و معارض با حکومت دینی: در نظام الهی و حکومت دینی پیش‌بینی جاذبه و دافعه منطقی در چارچوب و معیارها و شاخص‌ها از الزامات یک جریان اسلامی است. مسئله تولی و تبری و ارتباط به جریان‌های خودی به ویژه حرکت بر محوریت رهبری و پرهیز و مرزبندی با جریانهای غیر خودی جزء مبانی اعتقادی و رفتاری است.

۵-۲. راه‌های شناخت ماهیت احزاب و تشکلهای

اگر چه به طور معمول ماهیت یک حزب و تشکل سیاسی را از طریق اساسنامه و مرامنامه (به عنوان شناسنامه) آن گروه می‌شناسند، اما با توجه به فراز و نشیب‌ها و پیروزی و شکستهایی که رخ می‌دهد و حوادث مهمی که در کشور اتفاق می‌افتد، بهترین راه برای دستیابی به ماهیت احزاب و گروه‌ها، همانا مراجعه به بیانیه‌ها، مواضع و عملکرد آنان در قبال حوادث و متغیرها و بررسی میزان انطباق دیدگاه‌ها و مواضع و عملکرد اعضا با اساسنامه و مرامنامه می‌باشد. چه بسا احزاب و گروه‌هایی در آغاز حرکت دارای مبانی اعتقادی و دیدگاه خاصی بوده و در بستر زمان دچار واخوردگی و استحاله و عدول از مواضع

قبلی گردیده‌اند. بنابراین ارزیابی محتوای بیانیه‌ها، مواضع دبیر کل و شورای مرکزی یک حزب و عملکرد آن در بستر زمان مبین همسویی و همراهی با اصول و مبانی و برخورداری از شاخص‌های اصلی حزب و گروه خواهد بود.

۳. روش و جهت‌گیری پژوهش

روش و شیوه پژوهش توصیفی و میدانی است و بناست مجموعه‌ای از احزاب و تشکلهای مطرح و تأثیرگذار در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی با گرایش‌های متفاوت واکاوی شوند. و با مراجعه به اسناد و مدارک، اساسنامه و مرامنامه، بیانیه‌ها، مواضع صریح و عملکردها در عرصه‌های مختلف و در صورت لزوم و امکان، مراجعه به دبیر کل و شورای مرکزی و طرح پرسشهای مورد نظر، چهره روشنی از تشکلهای احزاب و گرایشهای آنان در معرض آگاهی و ارزیابی پاسداران و بسیجیان نهاده شود تا بتوانند جریانها و تشکلهای با گرایشها و مبانی ناب دینی، و همراه با مبانی و اصول و ضروریات نظام، و همگرا و همسو با خط امام و رهبری معظم انقلاب را از جریانها و تشکلهای دیگراندیش و مدعی خط امام جدا کنند و در جهت‌گیری‌ها و حرکت‌ها بتوانند تعامل و جهت‌گیری مناسب را انتخاب نمایند.

از این رو، تدوین تاریخچه و تبیین همه ابعاد و عملکرد یک حزب و یا معرفی و پرداختن به همه زوایای شخصیتی اعضای شورای مرکزی و فرایند شکل‌گیری منظور نبوده است. همچنین سعی بر این بوده که با تکیه بر مستندات، از دائرة انصاف خارج نشویم. نکته حائز اهمیت این است که در پاره‌ای موارد، دسترسی به همه منابع و آثار احزاب و تشکلهای مورد بحث، به ویژه آنها که تاریخچه کوتاهی دارند، امکان‌پذیر نبود که به طور طبیعی قصور در اینگونه موارد از ناحیه دست‌اندرکاران قابل گذشت خواهد بود.

والسلام

علی سعیدی شاهرودی

نماینده ولی فقیه در سپاه